

رشته روابط بین الملل: چالشهای شناخت در قرن بیست و یکم

جیمز روزنا*

نگارنده در کوششهای اخیر خود جهت بررسی مسائل جهانی و شناخت دقیق جریانهای اصلی، توجه خاصی به تناقضها، اختلافات و تفاوتها کرده است؛ به صورتی که گویی تمایلات اصلی شامل فرایندهای مختلفی است و همه تمایلات به میانگینی منتهی می شود که دو الگویی است و درك آن از دوراه جداگانه امکان پذیر می باشد. برای شناسایی این چالشها که احتمالاً فعل و انفعالات سیاست بین الملل در قرن بیست و یکم است، سعی خواهد کرد که بحث را بر تشابهات عظیم و اختلافات بزرگ متمرکز کند. آنچه در گذشته نگارنده به عنوان «روندهای هرج و مرج»^۱ و سپس «تفاوتهای دور»^۲ مطرح کرده است، اینک آنها را فقط به طور ساده روندهای متناقض می نامد که ممکن است یکدیگر را دربرگیرند، روندهایی که مهم ترین گرایش اصلی عصر حاضر هستند.

ما با کدام متدولوژی باید روندها را بشناسیم؟ واکنش ما در شناخت تضادهای پایدار، علیتهای تسلسلی، اختلافات فاحش در رفتار و تشابهات فراوان رفتاری باید چگونه باشد؟ پنج مانع اصلی در شناخت دقیق روندهای آتی جهانی قابل مشاهده است:

* دکتر جیمز روزنا (James Rosenau)، استاد روابط بین الملل دانشگاه جرج واشنگتن و از بنیانگذاران گرایش متدولوژیک رفتار گرایی در این رشته، این مقاله را برای فصلنامه خاورمیانه به رشته تحریر درآورده است.

۱. «تداوم نظام کشور - ملت»؛ به رغم تمام تحولات مربوط به تقلیل حاکمیت دولتها، همچنان نهادهای دولتی قوی عمل می کنند و هر آنچه در صحنه جهانی، از اهمیت رفتاری برخوردار است، متعلق به دولتها می باشد. بنابراین، رفتار دولتها مهم ترین متغیر رفتار ساز است؛

۲. گرایش «بله - اما»؛ که در آن تحلیل گرایان ظهور فعل و انفعالات قدرتمند را تصدیق می کنند، ولی سپس آنها را با روندهای متناقض نفی می نمایند؛

۳. گرایش «فهم بر اساس برداشت»؛ که در آن تناقضها مشتق از منابع مستقل دانسته شده و بنابراین، بین آنها ارتباط علی و دیالکتیکی وجود ندارد؛

۴. گرایش به مکتب «هنوز قضاوت زود است»؛ که در آن فعل و انفعالات متضادی که روند پرفراز و نشیب عصر حاضر را هدایت می کنند، دارای قدرت یکسان هستند. بنابراین، روند مذکور با تمسک به اینکه نتیجه گیری راجع به شکوفایی نظم جهانی آینده زود است، مشاهده گران را متمایل به صرف نظر کردن از برتری نسبی هر یک از فعل و انفعالات می کند؛

۵. فرضیه «متدولوزی ناقص»؛ که در آن جهان متغیر مبهم تر از آن است که بتوان روندش را دنبال کرد. از این رو، جهت دستیابی به برداشت بهتر از روابط بین المللی با متدولوزی های مناسب نیازمند پژوهشی سیستماتیک و تحلیل گرایانی مستعد هستیم.

به طور کلی، این موانع به طور مشترک پیامد تغییرات اساسی که ساختار جدید سیاست بین الملل را بنا می کند، مورد توجه قرار نمی دهند. اگر تفسیر متدولوزیک ما این گونه باشد و معتقد باشیم که تناقضات فراوانی در صحنه جهانی وجود دارد، بنابراین، دیگر لزومی ندارد که اسیر نظریه نقش دولتها در جهت دادن به تحولات بین المللی شویم.

به طور خلاصه، ما باید بیاموزیم که چگونه با تشابهات عظیم یا اختلافات فاحش، بی آنکه مایوس شویم برخورد کنیم. تعمیم پذیری پدیده ها به علت اختلاف میان آنها غیر ممکن است یا اینکه همه پدیده ها بقدری مبهم هستند که تحقیق بنیادی عملی نیست. تناقضها کلان و چشمگیر است و تحلیلهای دقیق را غیر ممکن می سازد، ولی به رغم اختلافاتی که وجود دارد، نمی توان اشتراکات را نادیده گرفت.

در دو سال اخیر، نگارنده فرصت مشاهده نزدیک یکی از این تناقضها را داشته است. در حقیقت، بهجز خدمت سربازی به هنگام جنگ، فقط در دو مورد از «برج عاج آکادمیک» خود فاصله گرفته و فرصت مشاهده عینی دو واقعیت بین المللی را داشته است. این واقعیت روند فراگیر به سوی دموکراسی و برعکس روند رایج به سوی گسترش انسانهای محروم

است. یکی از این مشاهدات حاصل حضور نگارنده به عنوان یک ناظر خارجی بر انتخابات ۱۹۹۳ پاراگوئه بود. مشاهده افرادی که بعضاً ساعتها زیر آفتاب سوزان ایستاده بودند تا اولین رای خود را به صندوقها بریزند، بویژه در کشوری که سالهای متمادی تحت سیطره نظام اقتدارگرا بوده است، تجربه نکاندهنده ای بود. برخورد دیگر یک سال بعد، به هنگام تمدید روادید در اداره مهاجرت هنگ کنگ، اتفاق افتاد. فضای وسیع این اداره پنج طبقه مملو از همه نژادها و رنگها بود و اکثریت آنها را زنان جوان فیلیپینی که خواستار تمدید روادید برای ادامه کار به عنوان مستخدم بودند، تشکیل می داد. مشاهده اشخاص مضطرب و ایستاده در صف، نگران از دست نیافتن به یک وسیله معاش از سوی یک کارمند اداره مهاجرت از پشت شیشه ها تجربه وحشتناکی بود. با مشاهده امید همگانی در پاراگوئه از یک طرف و وضعیت قشرهای پایین جامعه در هنگ کنگ از طرف دیگر، چالش عظیم و پیچیده ای را برای درک دنیایی در حال جهانی شدن و خصوصیات آن پیش روی انسان قرار می دهد.

روابط بین الملل در قرن بیست و یکم

برای تجزیه و تحلیل چالشهایی که پیش روی تحلیل گران وجود دارد، ضروری است که درک صحیحی از روندهای اساسی و فعل و انفعالات بنیادی وجود داشته باشد. فهم آنچه در جریان است - و اختلافات علمی در این خصوص وجود دارد - تابع درک مفهومی و روشی روندهایی است که در صحنه بین المللی در حال شکل گیری می باشد. پنج مانع ذکر شده در ابتدای مقاله زمانی معقول به نظر می رسند که اساس را بر این قرار دهیم که دگرگونی های فعلی در هر گوشه از جهان بقدری عمیق است که مسائل سیاسی و نظامهای سیاسی آینده به هر صورت با وضعیت حاکم بر نظام بین الملل کنونی کاملاً متفاوت خواهد بود. برعکس، اگر تصور شود آنچه تداوم می یابد براتب اولی تر و وسیع تر است از آنچه تغییر پیدا می کند، به طور طبیعی، مشکلات تحقیقاتی و مفهومی قابل حل بوده، مدیریت پذیر می شود و بدین ترتیب، مشکلات اندکی فراوری درک بین المللی قرار می گیرد.

در ادامه، لازم می بینم خلاصه ای از آنچه به اعتقاد نگارنده محرکه های اصلی در هدایت جهان به سمت حوزه ای ناشناخته است، ذکر کنم. همان طور که مفصلاً در جایی دیگر شرح داده شده است،^۳ به نظر می رسد سه عنصر اصلی نظام جهانی در حال تغییر باشد. یکی از این عناصر در سطح خرد، به نظر نگارنده، شامل شهروندانی است که در همه جا در حال یک «انقلاب در مهارتها» هستند. این انقلاب آنها را قادر نموده جایگاه

مناسب خود را در جریان رویدادها پیدا کنند و در نتیجه، در کارهای جمعی که در جهت استفاده‌های شخصی آنهاست، فعال تر شوند. دومین دگرگونی به نظر نگارنده در سطح کلان - خرد در حال وقوع است که از آن طریق اشخاص با مجموعه‌هایشان مرتبط می‌شوند. در اینجا، بحث این است که مجموعه‌ها در همه جا، در سازمانهای دولتی و غیر دولتی، دستخوش بحران هویت شده‌اند و معیارهای عملی و ابزاری مشروعیت گردیده‌اند. بنابراین، سبب ترویج از هم گسیختگی، بن بست، تحول ساختاری و گسترش می‌شوند و آمادگی افراد در بکارگیری مهارت‌های به دست آمده جدید را در مسیر منافع شخصی افزایش می‌دهد. سومین تحول در سطح کلان نظام بین الملل در شرف ظهور است. در اینجا، باید خاطر نشان ساخت که این فرایند دوگانه سبب بروز دو جهان در سیاست بین الملل شده است. یک جهان چند مرکزی تشکیل شده از بازیگران غیر دولتی مختلف و مستقل از نظام بین الملل مبتنی بر نظام کشور - ملت که بعضاً با هم‌تایان خود در نظام بین الملل مبتنی بر کشور - ملت در حال تخالف، همکاری و یا تعامل هستند و در عین حال، در صدد توسعه قلمرو خاص خود برای پایه‌گذاری نظم جهانی در حال تکرین می‌باشند. جهان دیگر، جهان دولتهاست که به رغم جریانهای حاشیه‌ای، تنظیم‌کننده‌نهایی روابط بین الملل می‌باشد.

سه تغییر اساسی فوق‌همچنان که برای چهاردهم در حال پیشرفت برده است، در آینده قابل پیش‌بینی نیز همچنان ادامه می‌یابد. این عناصر هم به عنوان منابع و هم به عنوان نتایج دو فعل و انفعالات دیگر که بیشتر به عنوان چاشنی اصلی فرایندها و تغذیه شده از دگرگونی‌های اساسی شناخته شده‌اند، تلقی می‌گردند. آنچه در اینجا مد نظر است، روند جهانی شدن و محلی شدن و رابطه بین آنها می‌باشد که بعضی آن را جهانی - محلی شدن (Glocalization) خوانده‌اند و نگارنده درجایی دیگر به دلیل آنکه این واژه بخوبی همزمانی یکپارچگی‌ها و از هم گسیختگی‌ها را روشن نمی‌کند، آن را از هم گسیختگی - یکپارچگی (Fragementation) نامیده است. به عنوان یک روند واحد، فرایندهای از هم گسیخته‌ی ویژگی‌ها و پیامدهای زیر را به دنبال دارند: امکان تغییر هویت و شهروندی به سبب انقلاب در مهارتها؛ بحرانهای اقتداری به دلیل تغییر جهت وفاداری‌ها و احساسات مربوط به مشروعیت و تعهداتی که مجموعه‌ها می‌توانند ایجاد کنند؛ دوگانه‌ی بردن ساختار جهانی که از یک طرف به تضعیف حاکمیت ملی انجامیده و از طرف دیگر به افزایش شکل‌گیری و تثبیت مجموعه‌ها در جهان چند مرکزی منجر شده است. نگارنده با اختصاص یک کتاب و چند مقاله^۴، سعی کرده است تا دقت مفهومی در شناخت فعل و انفعالات بنیادی در روابط بین الملل را

افزایش دهد که در زیر به یکایک آنها می پردازد.

تداوم نظام کشور - ملت

شاید بتوان گفت که سخت ترین چالشی که تحلیل گرایان در منظم کردن افکار خود با آن روبه رو هستند، سرعت زیاد تغییر نقش، کارآمدی و حاکمیت دولتهاست. کمتر افرادی پیدا می شوند که پیامدهای انقلاب الکترونیک، تقسیم کار بین المللی، فراملی شدن تولید و سرمایه و تشدید حساسیت نسبت به فرایندهای محیط زیستی را مورد سؤال قرار دهند. این روندها موجب شده است تا مرزها نفوذ پذیرتر، اختیارات قانونی مبهم تر، هویتها شناورتر، حاکمیت ملی کم معناتر و اقتدار دولتی کم تاثیرتر شود. بیشتر ناظران معتقدند که این روندها تغییر جهتیهایی موقتی از مسیر تاریخی طی شده به وسیله حکومتها و دولتهایشان نیستند. از طرف دیگر، به نحوی بسیاری از تحلیل گرایان قادر به درک این فرضیه نیستند که کشور - ملتهای بیشتری در حال سهم شدن در قدرت با مسئولان دیگر در سطوح خرده مالی، میان دولتی و فراملی هستند. نگارنده در موارد بسیاری از اندیشمندانی شنیده است که معتقدند فرایند تقسیم قدرت در پیش می باشد و حاکمیت در حال تضعیف است. در عین حال، همین اندیشمندان تاکید می کنند که روی هم رفته هنوز حکومتها حاکمیت مطلق را با توسل به اعمال زور در دست دارند؛ آنها هنوز قدرتمندتر از هر سازمان غیر دولتی هستند و هنوز توان القا و برتری در تصمیم گیری ها را دارند. آنها هنوز توانایی رد سیاستها و اقداماتی که در جهان چند مرکزی صورت می گیرد را دارند و در نهایت، به دلائل مختلف دیگری، هنوز بازیگران اصلی در صحنه بین المللی هستند.^۵

بر مبنای تجربه، مهم نیست که حکومت زئیر و قبل از آن حکومتهای رواندا و مالی در حال زوال و فروپاشی هستند؛ چه اهمیتی دارد که الجزایر و مصر در شرف جنگ داخلی می باشند؛ همچنین چندان اهمیتی ندارد که اتحادیه اروپا تصمیماتی اتخاذ می کند که کشورهای عضو باید به آن تن در دهند؛ مهم نیست که یک نظام چند فرهنگی در شرف ظهور در آمریکا و کاناداست؛ چه اهمیتی دارد که بسیاری از رهنمودهای دولت مرکزی چین از سوی دولتهای محلی نادیده گرفته می شود؛ چندان اهمیتی نیز ندارد که گروه هفت (کشورهای عمده صنعتی) عملاً در حل بحرانهای شدید ارزی ناتوان هستند و مهم نیست که مافیا و قاچاقچیان هم قدرت دارند و هم حمایت می شوند تا بخشهای مهم و اصلی شهرها و کشورها در سراسر جهان را کنترل کنند. به همین ترتیب، اینها نشانه هایی هستند که به روندهای

متغیری اشاره می کنند که در حال جابجایی حاکمیت و از بین بردن نقش حکومتها هستند. تایید این گونه تغییرات به مثابه لزوم بازگشت به نقطه آغازین و بازسازی مفهومی ماهیت سیاست است. بدان معنا که دنیای ما، دنیایی است که در آن آشفتگی معرف نظم قدیمی پدیده ها می باشد، دنیایی که در آن هیچ قشر از بازیگران قدرت را کاملاً در دست ندارد، دنیایی که در آن روندهای ناآشنا دائماً تکرار می شوند و اتکا به تدوینهای نظری و عاداتهای تحلیل که مدتها با آن آشنا بوده ایم را بسیار صیقل می دهند. درواقع، بهتر است تاکید کنیم که هنوز دنیای دولتهاست. این نگرش به ما اجازه می دهد تا از بازنگری به فرضیات بنیادی چشم ببوئیم و همزمان وجود تغییرات و فعل و انفعالات اساسی را قبول و تایید کنیم. به جرات می توان گفت که اگر برای درک توزیع اقتدار در سطح جهان، یک بار دیگر ابزار روشی و فکری خود را به کار گیریم، بشدت به فهم و درک ما افزوده خواهد شد.

گرایش «بله - اما»

بسیاری از تحلیل گرایان هنوز مشکلات قابل ملاحظه ای در قبول جهانی شدن فعل و انفعالات دارند. تضاد ظاهری بین نیروهایی که انسان، کالا و عقیده را هدایت می کنند، دلیل قابل توجهی در تایید تغییرات اساسی در سطح جهانی می باشد. در اغلب موارد، ناظران در مورد جهانی شدن گسترده صنعت و اقتصاد اتفاق نظر دارند که جریانات متعددی، فرهنگ مصرفی را در سطح جهان نشر می دهند. اما، در عین حال، همین ناظران بر وجود جریانات محلی، رشد داخلی جوامع و ظهور سریع ملی گرایی افراطی تاکید می کنند. در گرایش «بله - اما»، قضیه از این قرار است که بله - جهانی شدن یک میل بسیار قوی می باشد - اما محلی شدن هم همین طور است. در نتیجه، نیروهای محلی منجر به چنان رقابت‌های عظیمی می شوند که آهنگ دگرگونی های جهانی شدن را آهسته کرده، حتی به آنها تفسیر جهت می دهند. تقریباً این طور به نظر می رسد که این دو فعل و انفعالات یکدیگر را خنثی می کنند. بنابراین، تحلیل گرایان را به این نتیجه رسانده اند که جهان آن اندازه که به نظر می رسد در حال تغییر نیست. با اشاره به تمثیلی که پیشتر آمد، این طور به نظر می رسد که تحلیل گران برای آنکه نتیجه گیری کنند که فقط تغییرات تدریجی در حال جریان است و همه چیز خوب و پایدار می باشد، ترجیح می دهند میانگین فعل و انفعالات جهانی شدن و محلی شدن را بگیرند تا اینکه با مشکلات توزیع دو الگویی تحولات که خود سبب ایجاد دو میانگین کاملاً متفاوت می شود، روبه رو نگردند.

خطر اصلی گرایش «بله - اما» این است که ما در معرض خطر دست کم گرفتن فعل و انفعالات جهانی شدن قرار می گیریم. اگر قرار است ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چند دهه آینده نسبت به آنچه اکنون هستند، فرق کنند به این دلیل خواهد بود که هنجارها، عملکردها و نهادهای جدیدی ایجاد خواهند شد که از نقطه نظر امروزی ما غیر قابل تصور خواهد بود، بی آنکه برای فعل و انفعالات محلی ارزش کمتری قائل شویم. باید خاطرنشان ساخت که این فعل و انفعالات، نیروهای محرکه جریانهای بین المللی نیستند. هر چند فشارهای متناقض در مسیر انقباض و انبساط پدیده ها به هم ارتباط دارند، اما فرایند جهانی شدن است که شرایط و شکل ساختار نظام نوظهور بین المللی را به وجود می آورد. به هر صورت، ملتها، اقتصادها و نظامهای سیاسی دنیا درگیر تداخل و همگرایی های بلندمدت خواهند بود.

گرایش فهم بر اساس برداشت

گرایشی که بسیار نزدیک و نیز تقویت کننده گرایش «بله - اما» است، نگرشی می باشد که با تضادها آن طور که به نظر می رسد، برخورد می کند. برای بسیاری از تحلیل گرایان متعجب از همگرایی نیروهای مخالف تمرکز گرایی و تمرکز گریزی، به نظر آسان تر می آید که بر پدیده های قابل مشاهده تکیه کنند و فراتر از آنچه می بینند، کنکاش ننمایند. البته، روندها از وضعیت منحصر به فردی که منطق خود را داراست، ناشی می شود. بایک نگرش کوتاه مدت، فعل و انفعالات جهانی شدن و محلی شدن عمدتاً از منابع مختلف سرچشمه می گیرند. در هر برهه از زمان، رشد نهادهای مشابه، گسترش بازارها، آغاز مشکلات محیطی جاری، گسترش صنعت جدید برای انتقال سرمایه، آرا، فیلم و عوامل متعدد دیگری در روند جهانی شدن نقش دارند. همچنین در همین مقطع، آرامش روانی نشئت گرفته از فعالیتها و علایق ملموس محلی، عادات محلی در فرهنگهای عمیق ملی و ویژگی های منحصر به فرد فوری و همسایگی روندهای محلی شدن را بدون توجه به روندهایی که در جهت جهانی شدن ممکن است در حال ظهور باشند به پیش می برند. به عبارت دیگر، بدون در نظر گرفتن عواقب دراز مدت آنها، فعل و انفعالات جهانی شدن و محلی شدن ممکن است صرف نظر از فشارهای وارده از سوی دیگری رشد و تکامل یابند.

باوجود این، نگرش «فهم بر اساس برداشت» می تواند بشدت منحرف کننده باشد و سبب نارسایی در مرتبط کردن علی و دیالکتیکی فعل و انفعالات شود. اگر این دیدگاه برای

مدت زمان بیشتری بررسی شود، ممکن است آنچه در ابتدا منابع مستقل به نظر می‌آیند، به صورت بخشی از همان مراحل تاریخی رایج ظاهر شوند. به عبارت دیگر، می‌توان فعل و انفعالات مستقلی را که سبب بروز قطبهای حقیقی می‌شوند از فعل و انفعالات وابسته‌ای که فقط به نظر می‌رسند، قطبی هستند، تفکیک کرد. در اینجا، همزمانی بخش امکانات تولید از سوی شرکتهای چند ملیتی و تمرکز بانکداری، حسابداری و کارکردهای دیگر در مراکز اصلی جهان می‌تواند مثال خوبی باشد. هر چند این روندها متضاد به نظر می‌رسند، ولی با گذشت زمان معرف قطبی شدن نیستند. اگر شرکتهای فعالیتهای مشترک بین تمام مراکز خود را با بهره‌جستن از اینکه روندهای تمرکزگرا و تمرکزگریز همگی بخشی از همان حرکت جهانی شدن هستند، جهت ندهند، در مسیر کارآمدی توزیع جغرافیایی فعالیتهای خود قدم برنخواهند داشت.^۹

به همین ترتیب، فعل و انفعالات جهانی شدن که اساس رواج معیارهای غربی فرهنگ مصرف هستند و فعل و انفعالات محلی شدن که شالوده رفتارهای بیگانه‌هراسی نسبت به فرهنگهای خود محور می‌باشند - به آن اندازه که در نگاه اول به نظر می‌رسد - دوگانگی‌های واقعی نیستند. در دو طرف این تناقض، رفتارها در جهت کاملاً متفاوتی حرکت می‌کنند. اما اگر در دراز مدت مورد بررسی قرار گیرند، به طور چشمگیری مرتبط می‌شوند. روندهای محلی شدن واکنشی است در مقابل روندهای جهانی شدن و رواج معیارهای غربی سبب تهدید احساسات قوی فرهنگی و اجتماعی می‌گردد. بنابراین، غالباً آنچه را که می‌بینند نمی‌فهمند و اغلب محلی شدن به عنوان واکنشی در مقابل جهانی شدن، نه نفی آن، قلمداد می‌شود.

هنوز قضاوت زود است

در عین حال، استفاده از زمان به عنوان یک عنصر در به تاخیر انداختن شناخت نسبی فعل و انفعالات جهانی شدن و محلی شدن یک اشتباه است. البته، عواقب علی هر دو جریان کم و بیش ممکن است مساوی باشد. گرایش بعدی می‌تواند بیانگر این باشد که پیش‌بینی‌ها بسیار زیاد هستند. اما این دلیل خوبی برای ارج نهادن به مهارتهای تحلیلی و آموزشی اشخاص در آغاز به عنوان مبنای بیان پیش‌بینی‌های نیست، حتی اگر ثابت شود که این پیش‌بینی‌ها اشتباه هستند، در نهایت باعث درک و فهم می‌شوند؛ زیرا این پیش‌بینی‌ها فعالیت نظری ایجاد می‌کنند. پافشاری بر فرضیه مذکور، که جهانی شدن بر محلی شدن تقدم

دارد، به دلیل اینکه هنوز زود است بگویم کدامیک آغازگر ترتیبهای از هم گسیخته بوده اند، سبب می شود تا ما خود را از امکان دستیابی به یک نگرش عمیق دیالکتیکی که ممکن است هدایت کننده روند وقایع باشد، محروم سازیم.

متدولوژی های ناقص

سرانجام، ما با چالشهای عظیمی در طراحی متدولوژی های مناسب برای درک دنیایی که در آن همزمان دگرگونی ها و تناقضهای بسیار گرد آمده اند، روبه رو هستیم. چگونه می توان دیالکتیکی که گرایشهای جهانی شدن و محلی شدن را ایجاد می کند، دنبال کرد؟ چگونه می توان آزمایش کرد که آیا علایق و مفاهیم شهروندی در حال تغییرند یا نه؟ چگونه باید دامنه وسعت انقلاب در مهارتها را پیش بینی کرد؟ چگونه می توان دگرگونی چارچوبهای اقتدار را کشف کرد؟ چگونه درجه کاهش حاکمیت و تقلیل کارآمدی دولتها را می توان ارزیابی کرد؟ تمام این سؤالات مبتنی بر ساختارهای بزرگ، فرایندهای متعدد و مقایسه عمیق،^۷ برای یک تجربه گرای متعهد به حمایت از مشاهدات کلی با اطلاعات منظم و قوی، بسیار آزاردهنده است. در حقیقت، این سؤالات بقدری نگران کننده است که محقق را بر آن می دارد تا استراتژی تحقیق خود را بر مبنای روشهای تفسیر بنا نهد تا روشهای علمی یا در عوض، بنا را بر نفی گسترش دگرگونی ها قرار دهد تا در نتیجه بتواند بر روی مشکلاتی که راه حلشان در مان متدولوژیک است، تمرکز کند.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

برای مشخص تر شدن سؤالات فوق، با چند پیشنهاد از طرحهای تجربی نتیجه گیری خواهد کرد. زمان فقط فرصت طرح اندکی از این طرحها را می دهد، اما امیدواریم که فهرست کوتاه پیشنهادها اندیشه را به راههای دیگری، بدون محصور کردن استراتژی های تحقیق تا آنجا که از استانداردهای اصلی تحقیق سیستماتیک عدول نگردد، رهنمون شود. با فرض اینکه منابع کافی موجود است، سه طرح که بخصوص معقول و مدیریت پذیر هستند، به ذهن خطور می کند:

انقلاب در مهارتها

وظیفه ما پیدا کردن ابزار مفهومی و منابع اطلاعاتی است که با آن فرضیه اصلی که

امروزه اشخاص در همه جا از اجدادشان از نظر تحلیلی با مهارت تر شده اند را اگر نه آزمایش، بلکه کشف کرد. از آنجائی که شیوه پیچیدگی هم گراهی فیلیپ تلاك مقياس صریحی از دامنه تأثیر مطالب نوشته شده از تفکرات پیچیده یا ساده را نشان می دهد، این ابزار مشکلی ایجاد نخواهد کرد.^۸ هر چند پیدا کردن چنین اطلاعاتی که حداقل طی ۶ دهه ادامه داشته باشد، بسیار مشکل است، بناچار باید به منابع اطلاعاتی محدودی که در این قالب می گنجد، متکی بود. دستیاران تحقیقاتی نگارنده چنین اقداماتی را شروع کرده اند و با استفاده از درجه پیچیدگی جهت مقایسه واکنشها نسبت به قرارداد ۱۹۹۳ نفتا و مناظره ۱۹۳۲ اسموت - هالی در کنگره آمریکا و نیز نامه ها و ستونهای افکار نخبگان در روزنامه نیویورک تایمز و روزنامه های کانادا و مکزیک پرداخته اند. خوشبختانه هر سه دستیار من به زبان اسپانیولی تسلط دارند.

تاکنون، حاصل این طرح منابع بسیار قابل اطمینانی است که ادامه گردآوری اطلاعات مطرح شده را ممکن می سازد، هر چند هنوز به طور مشخص روشن نیست که آیا این اطلاعات فرضیه مهارت را تایید می کند. با اینکه موفقیت یا عدم موفقیت این تلاش بخصوص برای آزمون فرضیه هنوز روشن نیست، اما حداقل نشان داده است که این فرضیه مستلزم تحقیق سیستماتیک می باشد.

وفاداری های نخبگان و ساختارهای حاکمیت

اگر تمایلات جهانی شدن و کاهش کارآمدی حاکمیت دولتها به همان شدتی است که فرض شده، احتمالاً وفاداری اشخاص تغییر خواهد کرد، به صورتی که مشروعیت کمتری به دولتهای ملی و مشروعیت بیشتری به مجموعه های فراملی و خرده ملی داده می شود. طرز تفکر نگارنده نسبت به چگونگی آزمون این فرضیه چندان پیشرفتی نکرده است، اگر چه احتمالاً مناسب ترین ابزار این تحقیق پرسشنامه پیچیده ای است که به طور حضوری یا از طریق مکاتبه با گروههای مختلف تکمیل می شود. گروهی که نگارنده خیلی مایل است در تحقیق خود بگنجانند، حدود ۱۲ هزار نفر از شرکت هواپیمایی یونایتد است. آنها را به عنوان عضو کلوب 1K قرارداد داده اند که در سال حداقل ۱۰ هزار مایل پرواز داشته اند. اگر این نمونه را بتوان به دست آورد باید قاعدتاً شامل اتباع چندین کشور باشد که شغل آنها طوری بوده که تمایلات ملیتی آنها سبب افزایش ملاحظات فراملی آنان شده است.

فرایندهای دوگانه: جهانی شدن و محلی شدن

یک ردیابی کامل از این فرایندها بدون شک مستلزم مطالعاتی است که جوانب مختلف آنها را مورد تحقیق و کاوش قرار دهد. شاید بتوان گفت مصاحبه یا بررسی پستی از اعضای سازمان ملل متحد که فهرست تعدیلهای سازمانی مختلف که کشور متبوعش در تشخیص ظهور و سیر تر نظام بین المللی چند مرکزی انجام داده اند، نقطه شروع خوبی باشد. در حال حاضر، وزارت امور خارجه آمریکا شخصی به نام تیموتی ویرشام را به عنوان مشاور در چنین اموری برگزیده و همچنین امکان دارد روشهای دیگری را برای تایید و شناخت ظهور جهان چند مرکزی اتخاذ کرده باشد. همچنین یک بررسی مشابه از چگونگی تطابق تعداد بسیاری از سازمانهای غیر دولتی با سیاست بین المللی به منظور ارزیابی نسبی تحرکات ناشی از دوگانگی (جهانی شدن و محلی شدن) مورد نیاز است. چنانچه بتوان بر مشکلات گردآوری منابع اطلاعاتی سازمانهای غیردولتی و انجمنها فایز آمد و در نتیجه توسعه بی سابقه و قدرتمند سازمانها را نشان داد، ممکن است بتوان فرایندهای محلی شدن را از طریق تداوم رشد تعداد سازمانهای خرده ملی تعریف کرد.

نتیجه

این برنامه ریزی تحقیقاتی صرفاً شروع بسیار محدودی است. پیشبرد تحقیقات سیستماتیک در شناخت دگرگونی های این عصر پر فراز و نشیب بسیار مورد نیاز است. هرچند از طرفی وقت بسیار است، اما دگرگونی ها احتمالاً در آینده ادامه خواهند داشت و بدین ترتیب طرحهای ارزشمند دیگری را جهت تحقیق مطرح می سازند. البته، از طرف دیگر، وقت بسیار اندک است: اگر قرار است سیاستهای صحیحی طراحی شود، درک این فعل و انفعالات جدید و پیچیده ضرورت بسیار دارد. در حالی که تحقیقات علمی در جریان است باید با روشهای کمی و دقیق تحقیقاتی نیز مورد بررسی قرار گیرد تا تغییرات حاصله در جهان را به نحوی در سیاست گذاری ها منعکس نماید. به عقیده نگارنده عدم انجام این نوع تحقیقات، یعنی چشم پوشی از امکان برخورد با چالشهای ناشی از گرایشهای قوی، اختلافات عمیق و فعل و انفعالات پیچیده ای است که تاریخ حرکت سریع این برهه از تاریخ جهان را رقم می زند.



1. James N. Rosenau, "Patterned Chaos in Global Life: Structure and Process in the Two Worlds of World Politics," *International Political Science Review*, Vol. 9, October 1988, pp. 357-94.
2. Rosenau, "Distant Proximities: The Dynamics and Dialectics of Globalization," a paper presented as the Morgan Lecture, Dickinson College, Carlyle, PA: 27 October, 1993; revised version Presented as the Third George Taylor Ross Peace Lecture, College of William & Mary, Williamsburg, VA: 12 April, 1994.
3. Rosenau, *Turbulence in World Politics: A Theory of Change and Continuity*, Princeton: Princeton University Press, 1990.

۴. برای آخرین مورد در این خصوص نگاه کنید به:

Mary Durfee and James N. Rosenau, *Thinking Theory Thoroughly: Coherent Approaches to an Incoherent World*, Boulder: Westview Press, forthcoming, Chap.

۵. در این مورد نگاه کنید به:

Robert Gilpin, *War and Change in World Politics*, New York: Cambridge University Press, 1981, p.7; Alan James and Robert H. Jackson, "The Character of Independent Statehood," in A. James and R.H. Jackson (eds.) *States in Changing World: A Contemporary Analysis*, Oxford: Clarendon Press, 1993, pp. 5-8; Stephen D. Krasner, "Sovereignty: An Institutional Perspective," in James A. Caporaso (ed.) *The Elusive State: International and Comparative Perspectives*, Newbury Park: Sage Publications, 1989, Chap 4; Eugene B. Skolnikoff, *The Elusive Transformation: Science, Technology, and the Evolution of International Politics*, Princeton: Princeton University Press, 1993, p. 7; and Kenneth N. Waltz, *Theory of International Politics*, Reading, MA: Addison-Wesley, 1979, p. 94.

۶. برای مطالعه بیشتر در این مورد نگاه کنید به:

- Saskia Sassen, *The Global City: New York, London, Tokti*, Princeton: Princeton University Press, 1991.
7. Charles Tilly, *Big Structures, Large Process, Huge Comparisons*, New York: Russell Sage Foundation, 1984.
 8. Philip E. Tetlock, "Integrative Complexity of American and Soviet Foreign Policy Rhetoric: A Time-Series Analysis," *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 49, December 1985, pp. 1565-85.